

عبدالرضا همدانی*

چکیده

عدم شکل‌گیری و نیز عدم تداوم احزاب سیاسی در خاور میانه عربی از جمله موضوعات مهم برای شناخت و تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه است. این موضوع، در مقاله حاضر، با تمرکز بر کشور کویت مورد توجه قرار گرفته است و نویسنده برای بررسی علل عدم شکل‌گیری احزاب سیاسی در این کشور به آزمون دو فرضیه پرداخته است. یکی از این دو فرضیه، قانون اساسی کویت را مانع اصلی در جهت شکل‌گیری احزاب سیاسی تلقی می‌کند، و دیگری نقش منفی خاندان حاکم را در این زمینه یادآور می‌شود. بازبینی موادی از قانون اساسی کویت و توجه به ساختار سیاسی این کشور، به ویژه مروری بر عملکرد خاندان حاکم پس از رهایی کویت از اشغال عراق، موجب ابطال فرضیه نخست و تأیید فرضیه دوم می‌شود. بررسی دیدگاه‌های متفاوت نیروهای سیاسی کویت در زمینه فعالیت احزاب سیاسی و بهره‌گیری قوه مجریه از این اختلاف نظرها، بخش دیگری از مباحث نویسنده را تشکیل می‌دهد.

کلید واژه‌ها: احزاب سیاسی، قانون اساسی، گروه‌های سیاسی.

* کارشناس ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه

فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱، ص ۵۰-۳۵.

در میان شیخ نشینهای حوزه خلیج فارس، کویت به دلیل برخورداری از یک پارلمان مردمی جایگاه ویژه و منحصر به فردی دارد. وجود مجلس مشورتی در سالهای قبل از استقلال این کشور و تأکید بر بقا و تداوم مجلس ملی در قانون اساسی پس از کسب استقلال حاکی از توجه افکار عمومی کویت بر مسئله مردم سالاری، حقوق و تکالیف سیاسی و قانون گذاری از سوی نمایندگان منتخب خویش می باشد، اما دموکراسی کویت با دموکراسی های شناخته شده در جهان متفاوت است؛ برای مثال در دموکراسی این کشور شهروندان به درجه یک و دو تقسیم شده اند.

دموکراسی کویت حتی به احزاب اجازه شکل گیری و فعالیت نداده است. گرچه در این کشور به ویژه پس از آزادسازی آن از اشغال عراق در فوریه ۱۹۹۱، تشکلهای سیاسی مختلفی اعلام حضور کردند، اما این تشکلهای تبدیل به احزاب سیاسی و مردمی نشدند، بلکه در حد مجامع و گروههای سیاسی محدود و بدون عضوگیری باقی ماندند. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مهمترین علل عدم شکل گیری احزاب سیاسی در کویت کدام است؟ برای پاسخگویی به این سؤال به دو فرضیه رقیب می توان توجه کرد:

الف. قانون اساسی کویت مانع شکل گیری احزاب است؛

ب. اعضای خانواده حاکم با تشکیل احزاب سیاسی مخالفت می کنند.

در راستای کشف و فهم علل عدم شکل گیری احزاب سیاسی در کویت، این مقاله به دو بخش تقسیم شده است: در بخش نخست، نگاه مختصری به قانون اساسی کویت می شود تا صحت و یا سقم فرضیه اول مشخص گردد و در دومین بخش، به وضعیت و خواستههای گروههای سیاسی در کویت پس از جنگ دوم خلیج فارس و بخصوص در شش ماهه نخست سال ۲۰۰۱ که متضمن تحولات و اتفاقات مهمی در روند تشکیل احزاب سیاسی در کویت بود، اشاره خواهد شد.

الف. تشکیل احزاب سیاسی از دیدگاه قانون اساسی

در قانون اساسی کویت به تشکیل احزاب سیاسی اشاره ای نشده است و به همین دلیل این برداشت وجود دارد که قانون اساسی ایجاد احزاب سیاسی را ممنوع کرده است، اما می توان با نظر افکندن به اصول قانون اساسی عدم ممانعت از شکل گیری احزاب سیاسی را استنباط کرد. اصل چهل و سوم قانون اساسی اذعان می دارد که «تشکیل انجمنها و اتحادیه ها بر بنیادهای ملی و با ابزارهای مسالمت آمیز آزاد است». بنابراین، شهروندان کویتی حق دارند که از طرق مسالمت آمیز به تشکیل احزاب سیاسی بپردازند.

گزارشهای مجلس مؤسسان در زمینه نگارش اصل چهل و سوم قانون اساسی نیز مؤید همین مطلب است. در نگارش اولیه این اصل در کنار انجمنها و اتحادیه ها از واژه هیأتها نیز استفاده شده بود، اما بنا به دلایلی این واژه حذف گردید. در اعتراض به این مسئله، حمود زید الخالد، وزیر دادگستری وقت، اظهار نمود: «حذف واژه هیأتها تهدید کننده آزادیهای عمومی شهروندان است و من با چنین اقدامی موافق نیستم». در پاسخ به وزیر دادگستری، عثمان خلیل عثمان، کارشناس قانون اساسی در مجلس مؤسسان، گفت: «منظور ما از حذف کلمه هیأتها ممانعت از کارشان نیست، بلکه نخواستیم آن را به صورت یک الزام جلوه دهیم و در حقیقت این مسئله را به قانون واگذار کرده ایم».^۱

اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به طور ضمنی به فعالیت احزاب سیاسی اشاره کرده است. طبق این اصل گردهمایی های عمومی و راهپیمایی ها براساس شرایطی که قانون مشخص می کند آزاد است. بدیهی است که هرگونه گردهمایی یا راهپیمایی نیاز به سازمان دهی دارد و معمولاً این احزاب سیاسی و اتحادیه های مختلف هستند که توان برپایی چنین گردهمایی هایی را دارند، اما آیین نامه اجرایی هیأت وزیران که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد، اصل را بر ممنوعیت تشکیل هرگونه گردهمایی بدون اجازه دولت قرار داده است. جالب اینجاست که طی بیست و دو سال گذشته مجلس کویت هیچ گونه اعتراضی به این آیین نامه اجرایی ننموده است.^۲

اصل چهل و پنجم نیز اشاره ای غیر مستقیم به احزاب سیاسی دارد. این اصل به افراد و

هیأتها حق اظهار نظر در مورد قوای سه گانه و مورد خطاب قرار دادن این قوا را می دهد. بالطبع، این احزاب سیاسی هستند که جهت نیل به قدرت سیاسی از دولت انتقاد می کنند و واضح است که اصل چهل و پنجم این حق سیاسی را به افراد داده است تا بر عملکرد قوای سه گانه نظارت داشته باشند و معمولاً شهروندان نیز برای نظام مند کردن خواسته های سیاسی خود اقدام به تشکیل حزب می نمایند.

مورد دیگر، مسئله تعیین نخست وزیر توسط امیر می باشد. بر اساس یادداشت تفسیری قانون اساسی، امیر کویت در زمینه انتخاب نخست وزیر با رؤسای گروه های سیاسی مشورت می کند. به طور مستقیم گروه های سیاسی چیزی جز احزاب نیستند و اگر هم در این یادداشت تفسیری به صراحت نامی از احزاب سیاسی به میان نیامده است، دلیلی بر ممانعت از تشکیل شدن آن نمی باشد.^۳ بنابراین، قانون اساسی کویت مانع از تشکیل احزاب نیست. اگر چه در اصول قانون اساسی نامی از احزاب سیاسی به میان نیامده است، عدم ذکر عنوان احزاب سیاسی به معنی ممنوعیت فعالیت آنها نیست. نگاهی به گزارش های مجلس مؤسسان در سال ۱۹۶۲، شاید بتواند به علل چشم پوشی از ذکر نام احزاب سیاسی کمک نماید. در پنجمین جلسه مجلس مؤسسان در تاریخ ۱۹۶۲، ۴/۲۱، شیخ سعد عبد الله السالم الصباح، وزیر وقت کشور و ولیعهد و نخست وزیر کنونی، نسبت به اینکه نظام سیاسی کویت تلفیقی از نظام های پارلمانی و ریاستی باشد اعتراض کرد. وی اظهار داشت: «من شخصاً با این نظام [نظام پارلمانی] مخالفم؛ زیرا ما را به سوی مشکلات بسیاری که در آینده متوجه آن خواهیم شد، سوق خواهد داد. ما باید نظامی را ارایه کنیم که با ما سازگاری داشته باشد و به نظر من نظام ریاستی می تواند این مسیر را برای ما محقق سازد.»^۴

با دقت در عبارت فوق مشخص می شود که عضو خاندان حاکم، که قدرت اجرایی مطلق را در اختیار دارد، هرگز حاضر نیست از مجلس رأی اعتماد بگیرد یا مورد استیضاح نمایندگان پارلمان قرار گیرد، بلکه تمایل دارد با فرمان امیر که از خویشاوندانش است بر مسند قدرت تکیه زند. به همین دلیل هم شاهدیم که در نظام سیاسی کویت نخست وزیر و وزرا احتیاج به رأی اعتماد مجلس ندارند و از سوی دیگر، تنها وزرا مورد سؤال نمایندگان قرار می گیرند و

شخص نخست وزیر مصون از هر گونه پرسشی است. از این روست که عبدالله النیباری، نماینده مجلس و یکی از چهره های برجسته منتقد دولت، اذعان می کند که «در ساختار سیاسی کویت دو نوع قید و بند وجود دارد: نوع اول درون اصول قانون اساسی و نوع دوم، منبعث از مطابقت قانون اساسی با شرایط اجتماعی و سیاسی موجود است».^۵

مهمترین اصلی که در نظام پارلمانی وجود دارد اما در نظام سیاسی کویت به آن توجه نمی شود، اصل ارتباط مستقیم نتایج انتخابات با تشکیل کابینه است و این یکی از مشکلات اساسی ساختار سیاسی کویت و از نقاط ضعف قانون اساسی می باشد به طوری که حتی دکتر سعاد الصباح، عضو خاندان حاکم، معتقد است که به دلیل عدم وجود احزاب در کویت مشارکت سیاسی مفهوم و جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است.^۶

ب. وضعیت گروه های سیاسی پس از رهایی از اشغال عراق

پس از آزادسازی کویت از اشغال عراق، هفت گروه سیاسی اعلام موجودیت کرده، برنامه های خویش را ارایه دادند. نخستین گروه «تربیون دموکراتیک»^(۱) بود که در ۲ مارس ۱۹۹۱ با همکاری تعدادی از شخصیت های لیبرال، چپ و ملی گرا تشکیل شد. اندکی بعد و در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۹۱، «نهضت قانون اساسی اسلامی»^(۲) که در واقع گروه اخوان المسلمین بودند، موجودیت خویش را به طور رسمی اعلام کرد. پس از این تاریخ نیز مجمع نمایندگان^(۳)، مرکب از نمایندگان سابق و مستقل مجلس که جنبش سیاسی قانون اساسی را پس از تجاوز عراق و به منظور اجرای قانون اساسی در کشور هدایت کرده بودند، اعلام موجودیت کردند. گروه های دیگر عبارتند از:

۱. تشکل قانون اساسی^(۴) که نمایندگی بازرگانان و اتاق بازرگانی را بر عهده دارد؛

۲. ائتلاف اسلامی ملی^(۵) که گروهی شیعی است؛

۱. المنبر الديمقراطي

۲. الحركة الدستورية الاسلامية

۳. التكتل النيابي

۴. التجمع الدستوري

۵. الائتلاف الاسلامي الوطني

۳. بلوک اسلامی مردمی^(۱) که یک گروه اسلام گرای سلفی می باشد؛

۴. مستقلها^(۲)؛

۵. بلوک ملی دموکراتیک^(۳) که متشکل از نیروهای لیبرال است.

این گروهها در روزهای اول آزادسازی کویت دارای نقطه نظرات مشترکی بودند؛ به عنوان مثال پس از تشکیل کابینه، این گروهها بیانیه «نیروهای سیاسی مردمی» را در ۲۱ آوریل ۱۹۹۱ منتشر نمودند. در این بیانیه نسبت به حضور برخی از افراد در هیأت دولت که از دیدگاه این گروه به نوعی در اشغال کویت مقصر بوده اند، اعتراض شده بود. در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۱ نیز این نیروهای سیاسی طی بیانیه ای اعلام کردند که به طور مشترک «کمسیون دایمی رهبری فعالیتهای مردمی» را تشکیل خواهند داد.^۷

مهمترین اهداف این کمسیون عبارت بود از: مشارکت مردمی و تحکیم اجرای قانون اساسی، اصلاح قوه مجریه، اعطای استقلال کامل به قوه قضاییه، توسعه نیروی انسانی و حفاظت از هویت ملی و تلاش برای برپایی اتحادی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس.

در چنین شرایطی و در حالی که در میان گروههای سیاسی هماهنگی و وفاق نسبی وجود داشت، انتخابات هفتمین دوره مجلس کویت در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۲ برگزار شد. در این دوره از فعالیتهای مجلس با توجه به اولویتهای بازسازی خسارتهای واردآمده به کویت ناشی از اشغال عراق، همبستگی و همکاری مناسبی میان دولت و مجلس وجود داشت، ولی این وضعیت در مجلس هشتم تداوم نیافت و بالاخره امیر کویت به دلیل اختلافهای وسیع میان دولت و مجلس در تاریخ ۳ مه ۱۹۹۹ و طبق اصول قانون اساسی، مجلس را منحل کرد.

از مهمترین رویدادهای پس از انحلال مجلس هشتم، صدور فرمان امیر کویت مبنی بر اعطای حقوق سیاسی کامل به زنان کویتی بود. چنین فرمانی منجر به ایجاد دودستگی واضح و آشکار میان گروههای اسلام گرا و لیبرال شد. اسلام گرایان این تصمیم را ضد اسلام و

۱. التجمع الاسلامی الشعبی

۲. مستقلین

۳. التجمع الوطنی الديمقراتی

قانون اساسی بر می‌شمردند، در حالی که حامیان فرمان امیر اقدام به برپایی راهپیمایی کردند. برخلاف پیش‌بینیهای رسمی، نتایج انتخابات نمایانگر احتمال عدم پذیرش فرمان امیر از سوی مجلس بود. در مجلس جدید ۴۸ درصد از نمایندگان دوره قبل انتخاب شدند و یازده نماینده نیز که در انتخابات ۱۹۹۶ شکست خورده بودند، به مجلس راه یافتند. از سوی دیگر، دولت یازده تن از حامیان جدی خود را از دست داد تا بار دیگر احتمال بروز چالشهای جدی میان دولت و مجلس بیشتر شود.^۸ مخالفت با اعطای حقوق سیاسی به زنان اولین حادثه خبرساز در مجلس کویت بود. اصولاً نمایندگان مجلس کمتر با فرمانها و دستورهای امیر مخالفت می‌نمایند، ولی از آنجا که هنوز هم ساختار قبیله‌ای و وابستگی شدید بسیاری از نمایندگان به آداب و سنن قبیله خود در این کشور مشهود است و به طور معمول زنان قبایل از حقوق چندانی برخوردار نمی‌باشند، مجلس موفق شد فرمان امیر کویت را بی‌اثر نماید.

پیروزی نمایندگان بر آل صباح و دولت، اعتماد به نفس مجلس را بالا برد، به طوری که گروهی از نمایندگان انتقادات صریحتری از عملکرد دولت به عمل آوردند. در دسامبر ۲۰۰۰، عادل الصبیح، وزیر نیرو و وزیر دولت در امور مسکن، از سوی مجلس استیضاح شد، اما موفق به کسب رأی اعتماد مجلس شد. طی این دوره وزرا به شدت زیر ذره بین نمایندگان قرار گرفته بودند. اغلب وزیرانی که مورد سؤال قرار می‌گرفتند تنها از وزیران آل صباحی کابینه نبودند، بلکه در خارج از ارتباطات فامیلی با این خاندان هم بودند. یکی از وزیرانی که با انتقادهای شدیدی از سوی نمایندگان مواجه شده بود، سعد الهاشم، وزیر دادگستری، اوقاف و امور اسلامی بود. وی از جانب سید حسین القلاف، روحانی شیعی و نماینده مجلس که هیچ‌گونه وابستگی به جناحها و گروههای سیاسی کویت ندارد، متهم به موارد زیر شد:

۱. بی‌توجهی و شکست در اجرای وظایف خویش؛
۲. شکست در مقابله با فساد موجود در وزارتخانه؛
۳. عدم تطبیق درست قوانین؛
۴. ناتوانی در مقابله با دزدان بیت المال با تأکید بر قراردادهایی که در مدت اخیر با وزارت دفاع منعقد شده است.^۹

یکپارچگی و هماهنگی نمایندگان برای استیضاح وزرا و تأکید بر استیضاح وزیر دادگستری به گونه‌ای بود که دولت کویت در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۱ برای گریز از شرایط موجود ناچار به استعفا شد. گرچه دولت در این اندیشه بود که با تشکیل کابینه جدید با خواست‌ها و فشارهای مجلس قدرتمندانه‌تر مقابل نماید، اما اتفاقاتی که در درون خاندان حاکم برای تعیین وزیران عضو آل صباح به وقوع پیوست، نه تنها شکافهای درونی آل صباح را نشان داد، بلکه سطح توقعات نمایندگان را نیز بالا برد. ماجرایی که قرار بود که خانواده‌های سالم الصباح و جابر الصباح، دو خانواده اصلی آل صباح که در ضمن شامل خانواده‌های دیگری هم می‌شود، در تعیین وزیران عضو خاندان به توافق می‌رسیدند. در اینجا بود که مشخص شد شیخ سعد عبد الله السالم الصباح، ولیعهد و نخست‌وزیر کویت، در زمان استعفای دولت به امیر کویت شکایت نموده است که اشکال تراشیه‌ها و اختلافهای درونی خاندان صباح از موانع عدم تداوم فعالیت‌های دولت بوده است. گرچه وی در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۱، برای یازدهمین بار متوالی از سوی امیر کویت به نخست‌وزیری منصوب گردید و قرار شد که با هماهنگی و هم‌فکری شیخ صباح الاحمد الصباح، وزیر امور خارجه و برادر امیر کویت، مبادرت به انتخاب وزیران نماید، اما تا مدت‌ها هیچ‌گونه جلسه مشترکی میان امیر، ولیعهد و وزیر امور خارجه برای زدودن اختلافهای موجود برای تعیین وزیران تشکیل نشد.^{۱۰} روند اختلاف‌ها و مخالفت‌های موجود برای تعیین وزیران به گونه‌ای بود که پس از تشکیل کابینه جدید که در آن هفت وزیر جدید از جمله چهار نماینده مجلس وارد شده بودند، ولیعهد کویت برای مدت نامعلومی این کشور را ترک کرد.^{۱۱}

همبستگی نسبی نمایندگان، اختلافهای درونی خاندان حاکم و توانمندی مجلس برای تحت فشار قرار دادن وزرا در کنار ناهماهنگی‌ها و شکافهای اعضای کابینه، از جمله عواملی بود که باعث شد تا گروه‌های سیاسی به طور تدریجی و از طریق مطبوعات تمایل خویش را برای تشکیل احزاب سیاسی اعلام نمایند. سلفی‌ها اولین گروهی بودند که با انتشار بیانیه‌ای از کلیه گروه‌های سیاسی خواستند تا برای تشکیل احزاب سیاسی رسمی و قانونی گام‌های جدی بردارند. در این بیانیه آمده بود که نهضت سلفی معتقد است تکرر گرای سیاسی اولین

شرط اصلاحات سیاسی در چارچوب قانون اساسی و عامل مهمی در حل و فصل بحرانهای کنونی است.^{۱۲}

این بیانیه با واکنشهای مختلفی از سوی نمایندگان مواجه شد. دکتر ولید الطبطبایی، نماینده شیعیان، ضمن استقبال از ارایه طرح تکثر سیاسی به مجلس و تشکیل احزاب، زمان را برای چنین اقدامی نامناسب توصیف کرد، اما با این حال تأکید نمود که در حال حاضر احزاب در کویت به طور زیرزمینی فعالیت می کنند و مجلس بدون حزب، مجلسی ناقص است.^{۱۳} از سوی دیگر، جاسم الخرافی، رئیس مجلس کویت، با اظهار اینکه هنوز زمان اعلام قانونی بودن تشکیل احزاب زود است، تصریح کرد یکی از مشکلات موجود برای تشکیل احزاب این است که بسیاری از نمایندگان و اعضای گروههای سیاسی با توجه به منافع خود در دوره ای به یک گروه می پیوندند و در دوره ای دیگر به گروهی دیگر. بنابراین، هنوز در اذهان نمایندگان تفکر صحیح حزبی شکل نگرفته است.^{۱۴} به دنبال گروه سلفی ها، و به فاصله سه روز، نهضت قانون اساسی اسلامی نه تنها از اعلام رسمی تشکیل احزاب حمایت کرد بلکه از این حد نیز پا را فراتر نهاده، انتقاداتی به آن صباح وارد آورد. نهضت قانون اساسی اسلامی که دبیر کل آل عیسی ماجد الشاهین است در بیانیه ای که به مناسبت دهمین سالگرد تأسیس نهضت منتشر شد خواستار تشکیل یک کمیسیون عالی جهت به رسمیت شناختن و نظارت بر عملکرد احزاب متشکل از پانزده عضو (سه قاضی عالی رتبه، سه نماینده سابق مجلس با نظر رئیس مجلس، سه وزیر سابق با موافقت کابینه، سه رئیس یا نایب رئیس سابق مجلس و سه نماینده از سوی احزاب) شد. جالب اینجاست که در این بیانیه باز هم با اعطای حقوق سیاسی به زنان کویتی مخالفت شده بود.^{۱۵}

در این بیانیه همچنین از دخالت فرزندان خاندان حاکم در مسایل اقتصادی کشور انتقاد و از خاندان صباح خواسته شده بود تا به خاطر مصالح کشور اختلافهای داخلی را کنار بگذارند و خود به تعیین نقش و وظایف صحیح خویش بپردازند. دیگر پیشنهادها و نقطه نظرات این نهضت عبارت بود از:

۱. کاهش حوزه های انتخاباتی و افزایش تعداد نمایندگان مجلس؛

۲. تشکیل دولت با توجه به اکثریت کرسیهای پارلمانی در دوره های آینده؛
۳. از میان بردن وضعیت ناپایدار موجود در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی کشور؛

۴. مقابله با نیروهای مخالف دموکراسی، قانون اساسی و مشارکت مردمی.^{۱۶}
تنها یک روز پس از انتشار بیانیه نهضت قانون اساسی اسلامی، عبدالله النیباری،
رئیس گروه سیاسی تریبون دموکراتیک، در یک مصاحبه مطبوعاتی از تشکیل قانونی و رسمی
احزاب سیاسی حمایت کرد و گفت:

«بدون احزاب سیاسی، هیچ زندگی سیاسی پرجنب و جوش و فعالی به وجود نخواهد آمد و حتی
اگر در این مسیر اشتباهاتی رخ دهد، با مرور زمان و افزایش تجربه ها، به خودی خود اصلاح
خواهد شد. ما به عنوان اولین گروه سیاسی که به طور علنی حضور خود را در صحنه سیاسی
کشور اعلام کرده است، معتقدیم که پارلمان و دموکراسی با کار فردی به ثمر نمی رسد بلکه
نیازمند کار گروهی است و کار گروهی هماهنگ نخواهد شد، مگر از طریق احزاب سیاسی».^{۱۷}

در همان زمان که برخی از گروههای سیاسی و نمایندگان مجلس در صدد یافتن راه حل
مناسب برای آغاز رسمی فعالیت احزاب بودند، بعضی از نمایندگان واکنش دولت نسبت به
این موضوع را منفی ارزیابی می کردند؛ برای مثال، صالح عاشور، یکی از نمایندگان فعال
مجلس، بر این باور بود که دولت با تشکیل هیچ حزبی موافق نیست؛ زیرا یک فعالیت درست و
منسجم سیاسی نیازمند آزادی مطبوعات، آزادی تأسیس نهادهای مدنی، اعطای حقوق
سیاسی زنان و کاهش سن رأی دهندگان است، در حالی که دولت کویت تا کنون ۷۲ تقاضای
تأسیس انجمنهای غیر انتفاعی را رد کرده است.^{۱۸} مطبوعات کویت نیز از برپایی احزاب
سیاسی حمایت کردند و حتی بعضی از نویسندگان و روزنامه نگاران راه حلهایی را برای مقابله
احتمالی با مخالفتها و ممانعتهای دولت ارایه می دادند؛ به عنوان مثال، هفته نامه الزمن به
گروههای سیاسی پیشنهاد کرد در کنار تأکید بر تشکیل احزاب سیاسی، مانیفست خود را در

زمان تبلیغات انتخاباتی دوره آینده مجلس منتشر نمایند تا اهداف و نحوه همکاریهای هر گروه با دولت مشخص شود و راه برای تشکیل احزاب هموار گردد.^{۱۹}

شاید بتوان گفت که یکی از اشتباهات گروههای سیاسی در این برهه زمانی که دنبال تشکیل احزاب سیاسی بودند، ایراد انتقادهای شدید به آل صباح بود. تربیون دموکراتیک خواهان جداسدن سمتهای ولایت عهدی و نخست وزیری طبق اصل ۱۰۲ قانون اساسی شد. اسماعیل الشطی، عضو دفتر مرکزی نهضت قانون اساسی اسلامی، از کنترل شدید خاندان حاکم بر رسانه های گروهی و حمایت صریح و بی پرده آل صباح از بازرگانان و اتاق بازرگانی به شدت انتقاد کرد.^{۲۰} دکتر عبدالله الشایجی، استاد علوم سیاسی دانشگاه کویت، قانون اساسی را مورد هدف قرار داد و با اشاره به اینکه طبق قانون اساسی قوه مجریه از اختیارات و صلاحیتهای بسیار وسیعی برخوردار است از تغییر برخی اصول قانون اساسی جهت رعایت تفکیک قوا به طور کامل سخن به میان آورد. وی در همایش «ارزیابی تجربه فعالیت سیاسی در کویت» از تعیین نیروی انسانی قوه قضاییه توسط قوه مجریه و ممانعت قوه مجریه از تأسیس نهادهای مدنی انتقاد و پیشنهاد کرد که دولت از حزبی که در انتخابات پارلمانی اکثریت را به دست آورده است تشکیل گردد تا رابطه میان قوه مقننه و مجریه هم عرض و مستقیم باشد.^{۲۱}

گروههای دیگر نیز به طور عمده موارد زیر را از طریق مطبوعات مطرح می کردند:

۱. مخالفت با هر گونه انحلال مجلس از سوی امیر که با شیوه های مندرج در قانون اساسی مطابقت نداشته باشد؛

۲. جلوگیری از تسلط آل صباح بر رسانه های گروهی؛

۳. حق انتشار مطبوعات بدون کسب اجازه از دولت به منظور حمایت از آزادی بیان

و عقیده؛

۴. اعطای حقوق سیاسی به شهروندان دارای تابعیت درجه دو؛

۵. تعدیل حوزه های انتخاباتی.

خواستهای گروههای سیاسی به طور وسیع و به نحوی کاملاً برنامه ریزی شده با واکنش

مخالفان مواجه شد. آل صباح با همکاری نمایندگان موافق خویش در مجلس و در رأس آنها

«تشکل قانون اساسی»، با قاطعیت و با اتخاذ یک استراتژی منسجم در برابر کلیه پیشنهادهای گروههای سیاسی موضع گیری کرد.

اعضای خاندان حاکم برای اینکه خود به طور مستقیم رویاروی گروهها قرار نگیرند، در درجه اول از طریق وزیران غیر خویشاوند با خاندان حاکم، مخالفت دولت را با تشکیل احزاب اعلام کردند. بدین منظور محمد ضیف الله الشرار، وزیر دولت در امور مجلس و کابینه، در هنگام استقبال از وزیر امور خارجه مصر در فرودگاه کویت با صراحت بیان کرد: «احزاب حق اعلام وجود ندارند». یکی دیگر از وزیران نیز به همین مناسبت اظهار داشت: «مخالفت حکومت [با تشکیل احزاب] به معنی چشم پوشی از اصول دموکراسی و بی احترامی به قانون اساسی نیست...»^{۲۲} شیوه دیگر آل صباح، گفتگوهای جداگانه با گروههای سیاسی جهت منصرف کردن آنها از ادامه موضوع تشکیل احزاب بود. در این میان شیخ صباح الاحمد الصباح، معاون اول نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت، از دیگر اعضای خاندان حاکم فعالتر بود. وی ملاقاتهایی با عبدالله النبیاری، چهره سرشناس تربیون دموکراتیک و شورای مرکزی نهضت قانون اساسی اسلامی، صورت داد و یک روز پس از این ملاقاتها بود که این نهضت به طور رسمی اعلام کرد در ارتباط با تشکیل علنی و قانونی احزاب سیاسی شتاب زده نیست و کماکان این مسئله را مورد بحث قرار خواهد داد.^{۲۳} سومین شیوه، ایجاد دو دستگی و شکاف میان گروههای سیاسی فعال در پارلمان کویت از طریق نمایندگانی طرفدار دولت بود. جاسم محمد الخرافی، رئیس مجلس و یکی از بزرگترین بازرگانان کویتی، با ابراز اینکه منافع ملی مهمتر از منافع نمایندگان است گفت: «من به احزاب سیاسی و یکی شدن حوزه های انتخاباتی هیچ اعتقادی ندارم».^{۲۴}

مخالفت جدی دولت با طرح مسئله تشکیل احزاب سیاسی در مجلس، و تفرقه و اختلاف نظر نمایندگان در این زمینه در کنار سکوت گروههای سیاسی پیشرو در طرح این موضوع فرصت را در اختیار آل صباح قرار داد تا با توجه به شرایط موجود مخالفت خویش را اعلام کنند. بدین منظور وزیر امور خارجه کویت در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط تصریح کرد: «به قانون اساسی کویت که اجازه فعالیت به احزاب سیاسی نمی دهد،

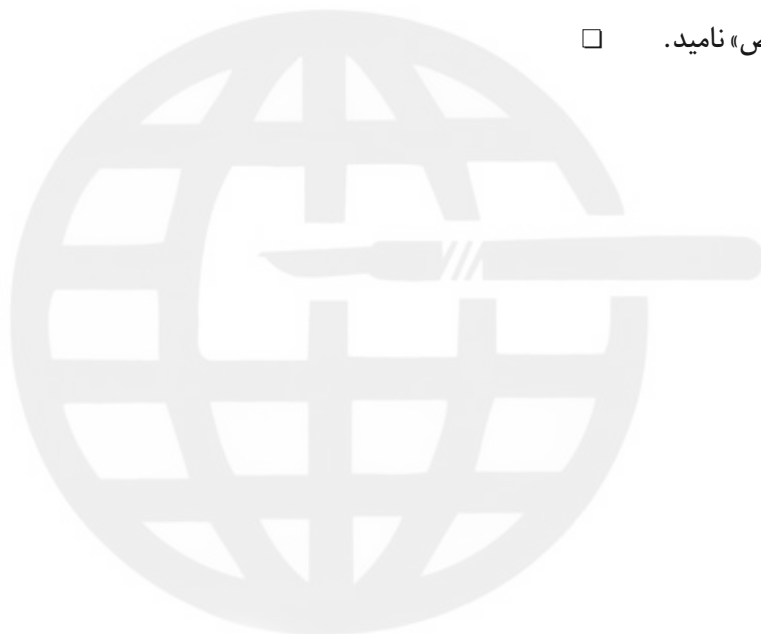
پایبند هستیم. دموکراسی کویت براساس شرایط خاص جامعه کویت و آداب و رسوم و سنن و فرهنگ موجود در این کشور شکل گرفته است و به نظر من، ما دارای یک دموکراسی فعال هستیم.»^{۲۵} به دنبال سخنان نفر سوم آل صباح، دیگر هرگز به مسئله شکل گیری احزاب سیاسی در مطبوعات کویت اشاره ای نشد و نمایندگان مجلس به جای هرگونه اقدام و اظهار نظری سکوت پیشه کردند.

نتیجه گیری

با بررسی محتوایی اصول قانون اساسی کویت آشکار شد که گرچه نامی از احزاب سیاسی در قانون اساسی برده نشده، اما اصل بر آزادی فعالیت نهادهای مدنی و گروههای سیاسی و به عبارت دیگر احزاب است. بنابراین، می توان نخستین فرضیه این مقاله را مردود دانست. در یک نگاه سریع به وضعیت فعالیت سیاسی در کویت نیز مشخص شد که گروههای سیاسی تحت عناوین و نامهای گوناگون، به جز عنوان «حزب»، در عرصه سیاسی و در مجلس کویت حضور قابل توجهی دارند و حتی بعضی از این گروهها نظیر گروه بازرگان، مورد توجه ویژه آل صباح هستند اما خاندان حاکم بر کویت به هیچ وجه حاضر به پذیرش شکل گیری احزاب نیست و در این راه سکوت قانون اساسی را بهانه و مستمسک خویش قرار داده است.

سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که چرا آل صباح به طور جدی نسبت به تشکیل احزاب حساسیت دارند و در مقابل آن موضع گیری می نمایند. به نظر می رسد که بتوان ساختار نظام سیاسی کویت را در این امر دخیل دانست. در این سیستم سیاسی اعضای خاندان صباح در مقابل عدم کاندیداتوری در مجلس کویت، حکومت و وزارتخانه های مهم نظیر امور خارجه، کشور و دفاع را در اختیار گرفته اند. اما اگر حزبی بتواند در مجلس اکثریت کرسیها را به دست آورد، آنگاه به پشتوانه آرای مردم می تواند خواهان سهمی در قوه مجریه که تحت اختیار آل صباح است، بشود. در این صورت خاندان حاکم با معضلی جدی مواجه خواهند شد چرا که اگر با چنین خواستهایی مخالفت کنند، در واقع با آرای مردم

مخالفت نموده اند و اگر موافقت کنند، از میزان قدرت و اختیاراتشان کاسته خواهد شد. به همین دلیل است که آل صباح با یکی نمودن سمتهای ولایت عهدی و نخست وزیری که برخلاف اصول قانون اساسی است و مقابله با هرگونه تقاضایی برای تشکیل احزاب سیاسی، سعی در حفظ وضع موجود و تداوم و استمرار حکومت و اقتدار خویش بر کویت نموده اند. از اینرو است که می توان با توجه به نواقص واضح و مشهود در وضعیت حاکم بر دموکراسی کویت، آن را «دموکراسی گزینشی» یا «دموکراسی احتکار شده برای گروهی خاص» نامید. □



پاورقیها:

۱. احمد الدین، المسار الديمقراطي في الكويت، الكويت: دارالقرطاس و التوزيع، ۱۹۹۴، ص ۲۰.
۲. الوطن، ۱۹۸۶، ۴، ۲۶.
۳. الديمقراطية و التربية في الوطن العربي، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية ۲۰۰۱، ص ۷-۹۳.
۴. احمد الدین، همان، ص ۱۱.
۵. تعقیب عبدالله النیباری فی ندوة أزمة الديمقراطية في الوطن العربي، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، ۱۹۸۴، ص ۶۶۵.
۶. تعقیب سعاد الصباح، پیشین، ص ۶۶۶.
7. <http://www.Al.Seyassah.cm.kw>, March 13, 2001.
۸. غانم النجار، «الشهائى فراروى دموکراسى در کویت»، ترجمه حسین انتظاری، سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۸۹-۱۱۸۷.
۹. الوفاق، ۲۰۰۱، ۱، ۲۹.
۱۰. همان، ۲۰۰۱، ۲، ۱۴.
11. www.Irano.com, 16.2.2001.
12. www.Alraialam.com.kw, 11.4.2001.
13. www.alwatan.com.kw, 12.4.2001.
14. www.moc.com, 11.4.2001.
۱۵. الراى العام، ۲۰۰۱، ۴، ۱۵.
۱۶. القبس، ۲۰۰۱، ۴، ۱۴.
۱۷. الراى العام، ۲۰۰۱، ۴، ۱۵.
۱۸. همان.
19. www.Aljazeera.net Newspapers, 16.4.2001.
20. www.moc.com.kw, 17.4.2001.
۲۱. الراى العام، ۲۰۰۱، ۴، ۱۷.

22. www.alwatan.com.kw, 17.4.2001.

23. www.moc.kw, 22.4.2001.

۲۴. همان.

25. www.assharqalawsat.com, 6.5.2001.

